

ما به سوریه بدهکاریم یا سوریه به ما؟!

نوشته دکتر ه. خشایار

در روزنامه رسمی کشور (۱۳۷۸/۱۲/۱۵)، قانون موافقتنامه تسویه حساب بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه که روز بیست و هشتم آذرماه ۱۳۷۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ هفتم دی ماه همان سال به تأیید شورای نگهبان رسیده است، چاپ شده بود. گرچه، آگاهی از درون مایه قانون بالا برای دل سوختگان این کشور، تأسف‌آور است، اما به خود نهب زدم که مردم میهن ما، باید بدانند که حاصل دسترنج و ثروت کشورشان به کجا رفته و کجا می‌رود.

راستی، مسئولان امر، از کیسه چه کسانی حاتم‌بخشی می‌کنند، چرا و چگونه است که یک فرد تبعه آمریکا را گروهی در لبنان به اسارت می‌گیرند، آن وقت آن شخص پس از آزادی به دادگاه کشور خود عرض حال می‌دهد و قاضی مربوط، جمهوری اسلامی و در حقیقت مردم ایران را به پرداخت ۳۵۱ میلیون دلار محکوم می‌کند و خواستار پرداخت این مبلغ از سپرده‌های مسدود شده ملت ایران در آمریکا می‌شود. هیچ‌کس هم واکنشی نشان نمی‌دهد و به مردم ایران نمی‌گویند که چرا «در بلخ آهنگری گنه می‌کند و در شوشتر، گردن مسگری را می‌زنند؟» آیا میان حاکمیت جمهوری اسلامی و گروهان‌گیران لبنان رابطه‌ای وجود دارد؟ چرا «تری اندرسون» تبعه آمریکا، ادعای خسارت از جمهوری اسلامی ایران می‌کند و پای کشورهای دیگری مانند سوریه و لیبی و... را به میان نمی‌کشد؟ اگر مسأله حقیقت ندارد، چرا به ملت ایران و افکار جهانی توضیح داده نمی‌شود و در دادگاهی دیگر و یا همان دادگاه، دادخواست متقابل داده نمی‌شود؟ البته چراها، بسیار است. اگر خدای ناکرده این امر واقمیت دارد و حکم بر پایه ادله و براهین متقن صادر شده است، آمران، عاملان و مجریان چه کسانی هستند که می‌باید ملت ایران این بهای سنگین را بپردازد. این مبلغ با توجه به میانگین قیمت نفت در سال ۱۳۷۸ خورشیدی، کمابیش ۳۰ میلیون بشکه نفت است.

از سوی دیگر، چرا تاکنون هیچ‌گونه گزارشی به ملت ایران ارائه نشده است که موارد مشابه ادعای تسری اندرسون، چه تعداد و میزان

محکومیت که می‌بایست تاوانش را مردم ایران بپردازند، چقدر است؟

اما، با وجود چراهای بسیار، برای پرهیز از حاشیه رفتن، به اصل مطلب می‌پردازیم: قانون بالا که به صورت ماده واحده به تصویب رسیده، جایگزین موافقتنامه شماره ۶۱۱۴ هـ مورخ ۱۳۶۳/۲/۲۳ شده است. در این قانون پس از تعارضات، چنین آمده است:

ماده ۱
۱- به دنبال توافق انجام شده بین نمایندگان بانک مرکزی سوریه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳ می ۱۹۹۹ میلادی (۱۳۷۸/۲/۲۳) در مورد حساب ویژه مفتوحه به موجب پروتکل مربوط به مبادله کالا امضا شده در تهران به تاریخ ۲۱ اسفند ۱۳۶۰ مطابق با ۱۶ مارس ۱۹۸۲ و پروتکل اصلاحی ماده (۱) از پروتکل فوق‌الذکر امضا شده در تهران در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۶۲ مطابق با ۱۹ فوریه ۱۹۸۴ و حساب مفتوحه به موجب یادداشت تفاهم به امضا رسیده در تهران در تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۲ مطابق با ۱۲ می ۱۹۸۴ مانده حساب بستانکار جمهوری اسلامی ایران به مبلغ فقط چهارده میلیارد و هفتاد و هشت میلیون و نهصد و بیست هزار (۱۴/۰۷۸/۹۲۰/۰۰۰) لیر سوریه تعیین می‌گردد و این مبلغ شامل کلیه تعهدات و مسئولیت‌های ناشی از پروتکل‌ها و اسناد فوق‌الذکر و تمامی اصلاحات آنها می‌باشد.

۲- به مبلغ مذکور در بند (۱) فوق‌الذکر هیچ نوع سود یا کارمزدی تحت هر عنوان تعلق نمی‌گیرد.

۳- در صورتی که نرخ تبدیل لیر سوریه به دلار آمریکا در کشورهای همسایه نسبت به نرخ تسعیر اعمال شده در بودجه عمومی سال ۱۹۹۹ (۱۱ دی ماه ۱۳۷۷ لغایت ۱۱ دی ماه ۱۳۷۸) جمهوری عربی سوریه از بیست درصد (۲۰٪) طی مدت ده ساله بازپرداخت مبلغ تعیین شده در بند (۱) فوق‌الذکر افزایش یابد، اقساط پرداخت نشده نسبت به مازاد بیست درصد (۲۰٪) فوق‌الاشعار در نرخ تبدیل براساس فرمول اعمال شده در تعیین مبلغ اصلی مورد ارزیابی مجدد قرار می‌گیرد.

ماده ۲
۱- مبلغ مذکور در ماده (۱) این موافقتنامه به لیر سوری طی ده قسط سالانه به طور مساوی و

پی در پی پرداخت می‌شود، به گونه‌ای که اولین قسط آن در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۷۸ مطابق با اول جولای ۱۹۹۹ میلادی و آخرین قسط در تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۷۸ مطابق با اول جولای ۲۰۰۸ میلادی پرداخت شود.

۲- حسابی تحت عنوان «حساب تسویه» نزد بانک مرکزی سوریه گشایش می‌یابد و به این حساب هیچ نوع بهره تعلق نخواهد گرفت و موارد ذیل در آن منظور می‌شود:

الف - مبالغ اقساط سالیانه پرداختی به موجب بند (۱) این ماده.
ب - مبالغ مورد مصرف از طرف ایران بر طبق مفاد ماده (۳) این موافقتنامه و به میزان اقساط سالیانه ثبت شده در «حساب تسویه» می‌باشد.
در صورتی که بخشی از اقساط سالیانه به طور کامل در سال مربوط به مصرف نرسد، مقدار مصرف نشده با اقساط بعدی جمع می‌گردد.
ماده ۳

مبالغ مشخص شده در بند (۱) ماده (۱) این موافقتنامه متناسب با اقساط سالیانه ثبت شده در «حساب تسویه» یاد شده در بند (۲) ماده (۲) این قرارداد از سوی جمهوری اسلامی ایران به منظور تحقق اهداف ذیل در جمهوری عربی سوریه استفاده می‌شود:

الف - تأمین هزینه‌های ذیل:
- خرید ساختمان جدید برای سفارت جمهوری اسلامی ایران و اقامتگاه سفیر.
- ساخت بیمارستان.
- ساخت مدرسه
- مرمت و نگهداری برخی از اماکن مذهبی
- هزینه دانشجویان ایرانی سرگرم تحصیل در سوریه
- هزینه‌های داخلی زائران ایرانی (هتل، حمل و نقل، هزینه‌های فرودگاهی و غیره).
- هزینه‌های سوخت مربوط به شرکت‌های هواپیمایی ایران در فرودگاه‌های سوریه.
- عوارض فرودگاهی و هوانوردی مربوط به شرکت‌های هواپیمایی ایران در فرودگاه‌های سوریه.
- هرگونه هزینه‌های محلی دیگر.

ب - تأمین مالی سهم طرف ایرانی در هزینه‌های محلی طرح‌های توسعه‌ای است که بین دولت‌های دو کشور براساس شرکت‌های

مشترک (J.V.) توافق می‌گردد.

ج - هزینه‌های محلی برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری که طرف ایرانی بر طبق مفاد قوانین و مقررات جاری در جمهوری عربی سوریه انجام می‌دهد.
ماده ۴

۱- بانک مرکزی سوریه و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ترتیبات بانکی لازم را برای اجرای مفاد این موافقتنامه تدوین می‌نمایند.
۲- این موافقتنامه به عنوان ضمیمه یادداشت تفاهم امضا شده بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری عربی سوریه در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۷۵ مطابق با ۱۵ می ۱۹۹۹ میلادی تلقی می‌گردد.

بدین سان، می‌بینیم که چگونه با یک نشست و برخاست نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، بخشی از دارایی‌ها و ثروت مردم ایران، مورد بخشش و «عطا» قرار می‌گیرد:
۱- مسأله جالب در این میان، واحد پول مورد توافق است. آنچه مسلم است، دولت عربی

سوریه، بابت بدهی‌های خود به ایرانی یا «دلار» گرفته است و یا کالا و خدماتی که با «دلار» ارزش‌گذاری شده‌اند. در این میان این پرسش مطرح است که نرخ برابری لیر سوریه با دلار، مربوط به چه زمانی و کدام نرخ است؟ روشن شدن این مسأله کمک می‌کند تا دست‌کم ملت ایران بدانند که دولت چه میزان از کیسه وی حاتم‌بخشی کرده است؟ ملت ایران حق دارد بدانند که چه داده است که قرار است در دهسال آینده، توریست به سوریه بفرستند، برای سفارت جمهوری اسلامی در سوریه، ساختمان بخرد، بیمارستان و مدرسه بسازد و برخی از اماکن مقدسه را مرمت کند، تا سرانجام بی‌حساب شود؟ راستی مدرسه و بیمارستان و... قرار است برای چه کسی ساخته شود؟

امید است، مسئولان بانک مرکزی که این توافق را با نمایندگان بانک مرکزی سوریه به عمل آورده‌اند، صورت‌حسابی به صاحب خانه، یعنی ملت ایران، ارائه کنند. گرچه در این دور و زمانه، تقاضایی است نابجا و انتظاری است بیهوده!
۲- بر پای بند ۲ ماده ۱، هیچ سود یا کارمزد،

تحت هیچ عنوان به طلب ملت ایران تعلق نمی‌گیرد. در حالی که با محاسبه بهره‌ای را که بانک مرکزی جمهوری اسلامی بابت وام‌های دریافتی از کشورهای دیگر می‌پردازد، دست‌کم حکومت سوریه می‌بایست در عرض دهسال (با توجه به پرداخت اقساط سالانه)، سودی برابر با ۶۰ درصد نسبت به مبلغ مزبور بپردازد.

۳- بر پایه بند ۲ ماده یک که بسیار پیچیده و گمراه‌کننده نوشته شده است، در صورتی که نرخ برابری لیر سوریه نسبت به دلار آمریکا کم‌تر از ۲۰ درصد کاهش یابد، تأثیری در محاسبات نخواهد داشت. بدین سان، با توجه به بی‌اعتباری لیر سوریه و امکان کاهش آن برابر دلار آمریکا، از همان هنگام عقد موافقتنامه، از کمابیش ۲۰ درصد طلب مردم ایران صرف‌نظر شده است.

اگر چنین نیست و تفسیر ما اشتباه می‌باشد، بانک مرکزی جمهوری اسلامی، نویسنده و خوانندگان را روشن کند.

۴- نکته جالب این‌جاست که بدهکار (جمهوری عربی سوریه)، حسابی نزد بانک مرکزی خود به نام «حساب تسویه» (بدون پیشوند و

TURBAN Tour and Travel Agency

توربان

مشاور صدیق شما در امور ایرانگردی و جهانگردی
برقرارکننده بهترین تورهای داخلی، خارجی، زیارتی و سیاحتی (جمعی و انفرادی)
اخذ ویزا دویس، مسکو، باکو، آلمان، اوکراین، ترکمنستان، قزاقستان و یوگسلاوی
مجهز به سیستم کامپیوتری
نمایندگی فروش بلیط‌های ایران‌ایر و کلیه خطوط هوایی داخلی و خارجی

تهران، حاشان وکله، عصر، نالوار، استکاد مجبوند، ساحبان سورس، سنارد ۱۶۹۱
تلفن: ۰۲۰-۵۵۵۰۰۰۰ ۰۲۰-۵۲۱۵۸ ۰۲۰-۶۶۶۰۰ ۰۲۰-۶۶۶۲۲ ۰۲۰-۵۲۳۳۲
E.MAIL TURBAN @ SAMA.DPI.NET.IR

پسوند) باز کرده و بدهی‌های سالانه خود را به آن حساب واریز می‌کند و به این حساب «هیچ‌گونه بهره تعلق نخواهد گرفت.»

حتی در قرارداد ترکمان‌چای نیز، چنین بندی را به یاد ندارم. به جای اینکه چنین حسابی نزد بانک مرکزی طلب‌کار (ایران) باز شود، نزد بدهکار (سوریه) باز می‌شود و تصریح هم می‌کنند که به این پول هیچ‌گونه بهره‌ای تعلق نمی‌گیرد.

با توجه به اینکه بانک مرکزی جمهوری عربی سوریه زیر سلطه و کنترل کامل حکومت سوریه قرار دارد، چه تضمینی وجود دارد که وجوه مزبور به موقع به «حساب تسویه» واریز گردد و بانک مزبور گزارش نادرست ارائه نکند؟

چرا برخلاف عرف بانکی به پولی که به عنوان سپرده نزد یک مؤسسه اعتباری قرار دارد، بهره تعلق نمی‌گیرد؟

۵ - با توجه به موارد هزینه طلب‌های مردم ایران، همه چراها مفهوم خود را از دست می‌دهد. بدین‌سان، نه تنها چیزی عاید نمی‌کنیم بلکه خود را متعهد و موظف می‌کنیم که مقادیری هم در سوریه سرمایه‌گذاری کنیم تا به اصطلاح

طلب‌های خود را وصل نماییم. در این راستا، باید در آینده‌ای نه‌چندان دور شاهد ایجاد نهادها یا بنیادهایی برای هزینه کردن طلب‌های خود در کشور بدهکار باشیم.

۶ - برای کوتاه کردن این سخن دردآور، نکته دردآور دیگری نیز باید گفته شود: در ماده ۵ موافقتنامه مزبور می‌خوانیم: «این موافقتنامه در سه نسخه اصلی به زبان‌های عربی، فارسی و انگلیسی تنظیم و امضا گردید و...»

در موافقتنامه‌های مالی تاکنون دیده نشده است، زبان کشور بدهکار قبل از کشور بستانکار یا وام‌گیرنده، پیش از وام‌دهنده، نام برده شود!

امیدواریم در قراردادهای وام بانک مرکزی جمهوری اسلامی با کشورهای استکباری غربی، زبان فارسی پیش از زبان کشور وام‌دهنده آمده باشد. البته شک است اگر اصلاً از زبان فارسی نامی در میان باشد!

چه خوب است، بانک مرکزی جمهوری اسلامی برای برطرف کردن شک و شبهه‌های ایجاد شده در این زمینه، قراردادهای مربوط به تعدادی از وام‌های دریافتی از سوی دولت خودمان

را هم منتشر کند!

این گفتار را با ذکر و موضوع با اهمیت به پایان می‌رسانیم:

نخست: شیوه تنظیم توافقنامه چنان است که گویی ایران بدهکار است و سوریه طلبکار، آن هم طلبکاری که در موضع قدرت قرارداد و به خاطر الطافی که به ما روا داشته، خواهان جبران بخشی از آنهاست، و لذا حکم می‌کند برخلاف عرف، به جای آنکه مبلغ بدهی با یک ارز معتبر (دلار، پوند، مارک یا فرانک) مشخص شود، با لیر سوریه مشخص شود.

و دوم اینکه: این بدهکار عزیز و خوش‌اشتها در چند سال اخیر، چندبار میزان حق‌شناسی خود را از بابت کمک‌های ایران نشان داده است. به موضع‌گیری‌های این بدهکار عزیز در مسایلی نظیر ادعای واهی امارات در مورد جزایر ایرانی و برخی دیگر از رفتارهای غیردوستانه تعدادی از کشورهای عربی در قبال ایران توجه فرمایید تا به عمق بذل و بخششی که در قرارداد فوق‌الذکر نسبت به سوریه شده، بهتر آگاه گردید.



فرم

شرکت سهامی خاص

اولین تولید کننده فرم های پیوسته مخصوص مصرف کامپیوتر در ایران

ران: استاد مطهری خیابان میرعماد
چه نهم شماره یک کدپستی ۱۵۸۲۷
ن: ۸۷۴۸۹۴۰ - ۸۷۵۵۷۵۲ - ۸۷۵۳۶۸۸
لس: ۸۷۵۳۶۸۹ تلکس: ۲ DF۱ IR ۲۱۳۷

رخانه: جاده مخصوص کرج
مومتر ۷ خیابان دکتر عبیدی
ن: ۴۵۰۴۹۶۵

تکیه مابرا اعتماد شماست
شرکت فرم ساز مقتدر است با استفاده از پیشرفته‌ترین و بهترین تجهیزات و پرسنل متخصص
کامپوزر کامپیوتر در ایران در این شرکت صادر شده است
فرم ساز همیشه پیشیار